

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

1189.A



دانشگاه گیلان

دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی
گروه اقتصاد

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد در رشته علوم اقتصادی

عنوان

تخمین سطح آستانه در رابطه بین تورم و توزیع درآمد در ایران

(طی سالهای ۸۵-۱۳۴۷)

استاد راهنما

دکتر نادر مهرگان

استاد مشاور

دکتر محسن ابراهیمی

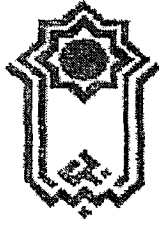
پژوهشگر

الهه محسنی

۱۳۸۸ / ۵ / ۱۲

زمستان ۱۳۸۷

توسط اطلاعات مرکز علمی برون
تسبیح ملک



دانشگاه بوعلی سینا

با یاری خداوند بزرگ جلسه دفاع از پایان نامه خانم الهه محسنی به شماره دانشجویی ۸۵۱۳۲۶۶۰۰۸ در رشته اقتصاد دوره کارشناسی ارشد روز دوشنبه تاریخ ۸۷/۱۱/۲۱ ساعت (۸-۱۰) در سالن کنفرانس دانشکده اقتصاد و علوم اجتماعی دانشگاه بوعلی سینا همدان برگزار شد.

این پایان نامه با عنوان:

تخمین سطح آستانه در رابطه بین تورم و توزیع درآمد در ایران (طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۴۷)

مورد تایید هیئت داوران قرار گرفت و با نمره ۲۰ و درجه عالی به تصویب رسید.

داوران:

- | | |
|------------------------------|----------------------------|
| استاد راهنما | ۱- دکتر نادر مهرگان |
| استاد مشاور | ۲- دکتر محسن ابراهیمی |
| استاد داور داخلی | ۳- دکتر ابوالفضل شاه آبادی |
| استاد داور داخلی | ۴- دکتر علی اکبر قلی زاده |
| استاد داور داخلی | ۵- دکتر حمید سپهر دوست |
| مسئول تحصیلات تکمیلی دانشکده | ۶- دکتر اسدالله نقدی |

تقدیم بہ امام علی (ع)،

انسانی کہ عدالت، انصاف و مدارا را آموزہ زیبائی از اندیشہ بلند

آن بزرگوار می دارم.

و تقدیم به

قامت زیبای پدرم و به مادر گرامی ام

آنها که وجودم برایشان همه رنج بود و وجودشان برایم همه مهر.

تو انشان رفت تا به توانایی برسم.

مویشان سفید کشت تا رویم سفید بماند.

آنان که فروغ نگاهشان، گرمی کلامشان و روشنی رویشان سرمایه های جاودانی من است. آنان که راستی قائم در سنگسنگ قاتشان تجلی یافت.

در برابر وجود گرامیشان زانوی ادب بر زمین می نهم، و بادی ملو از عشق و محبت و

خضوع بردستان بوسه می زنم. سرو وجودشان همیشه سرسبز و استوار.

تشکر و قدردانی

پیش از سپاس، ناتوانی‌ام را بپذیر، ای بزرگ بی‌همتا، که یکایک لطف‌های بی‌شمارت را تا انتهای بی‌نهایت سپاسگزارم.

بی‌شک، به ثمر رسیدن هر کار تحقیقاتی امکان‌پذیر نیست مگر با مساعدت و همفکری آنانی که در زمینه آن کار صاحب نظرند. بنابراین پایان نامه‌ای که به اسم یک نفر ارائه شده و پیش رو دارید، در حقیقت حاصل تلاش و مساعدت عزیزان زیادی است که هر یک به نوعی نگارنده را مدیون لطف خویش نمودند. بدیهی است که تمامی خطا و لغزشهای احتمالی موجود را شخصا به عهده می‌گیرم، اما نقاط قوت و برجسته این نوشته، مرهون لطف اساتید و دوستان عزیزی است که باید از آنها تشکر و قدردانی نمایم.

در آغاز صمیمانه‌ترین سپاس و تشکرها را تقدیم می‌دارم به استاد راهنمای گرامی‌ام، جناب آقای دکتر مهرگان، که موفقیت خود را مدیون صبر و حوصله، دلسوزیهای بی‌دریغ و راهنماییهای سودمند این استاد فرهیخته می‌دانم.

سپاس فراوان دارم از استاد مشاور گرامی، جناب آقای دکتر ابراهیمی که در طول تحصیل از لطف و دانش ایشان بسیار بهره گرفتم. از اعضای محترم کمیته داوران جناب آقای دکتر شاه آبادی، جناب آقای دکتر قلی زاده و جناب آقای دکتر سپهردوست که زحمت قرائت و تصحیح پایان نامه و شرکت در جلسه دفاعیه را متحمل گردیدند و همچنین جناب آقای دکتر نقدی، نماینده محترم تحصیلات تکمیلی در جلسه دفاعیه صمیمانه سپاسگزارم.

با سپاس از برادران عزیز و خواهران مهربانم که همواره شادابی‌بخش لحظات زندگی‌م بوده‌اند و محبت و صفایشان امید را در من زنده نگاه می‌دارد. برخورد لازم می‌دانم که تشکر ویژه‌ای داشته باشم از جناب آقای علیرضا حیدری که در طی این مدت بدون هیچ‌گونه چشمداشت، همواره کمک‌های بی‌دریغ و خالصانه‌شان شامل حال من بوده است. آرزوی سلامتی و توفیق روزافزون برای این عزیز را دارم.

از دوستان عزیزم خانمها رویا صمدی و راضیه علمیان که موجد خاطرات شیرین در این دوره بودند، نهایت سپاس را دارم.

و در نهایت سپاس از هر یاری دهنده‌ای که وسعت همراهی‌اش حتی به قدر لحظه‌ای مرا به سپاسی ابدی موظف نمود.

همه امتیازات این رساله به دانشگاه بوعلی سینا تعلق دارد. در صورت استفاده از تمام یا بخشی از مطالب رساله در مجلات، کنفرانس‌ها و یا در سخنرانی‌ها، باید نام دانشگاه بوعلی سینا و اساتید راهنمای رساله و نام دانشجو با ذکر مأخذ و ضمن کسب مجوز کتبی از دفتر تحصیلات تکمیلی دانشگاه، ثبت شود. در غیر اینصورت مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

چکیده	
نام خانوادگی: محسنی	نام: الهه
عنوان پایان نامه: تخمین سطح آستانه در رابطه بین تورم و توزیع درآمد در ایران (طی سالهای ۸۵-۱۳۴۷)	
استاد راهنما: دکتر نادر مهرگان	استاد مشاور: دکتر محسن ابراهیمی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد	رشته: علوم اقتصادی
دانشگاه: بوعلی سینا همدان	دانشکده: اقتصاد و علوم اجتماعی
واژگان کلیدی: نابرابری اقتصادی، سطح آستانه تورم، توزیع درآمد، روش حداقل مربعات شرطی (CLS)، تورم	
تاریخ فارغ التحصیلی: بهمن ۱۳۸۷	
چکیده	
<p>یکی از مهمترین عوامل تاثیر گذار بر توزیع درآمد، تورم است که بسته به نوع و شدت آن اثرات متفاوتی بر نابرابری اقتصادی می گذارد. آثار زیانبار نرخهای تورم بالا بر توزیع درآمدها برکسی پوشیده نیست. اما باید توجه داشت که تورم همواره مضر نیست و می تواند در سطوح پایین به عنوان عاملی در جهت رشد و توسعه اقتصاد و بهبود در توزیع درآمدها عمل نماید. بنابراین یافتن نرخ بهینه تورم که در آن، تورم نه تنها مضر نیست بلکه عاملی در جهت بهبود نابرابری های درآمدی است از اهداف مهم این پژوهش به شمار می آید. در این تحقیق جهت تخمین سطح آستانه تورم و توزیع درآمد، از شاخص ضریب جینی که از جمله متداولترین شاخص های عینی برای اندازه گیری نابرابری درآمدی است، استفاده شده است. منظور از سطح آستانه تورم، نرخ یا محدوده ای از تورم می باشد که فراتر از آن، اثر تورم بر شاخص نابرابری (ضریب جینی) معنی دار و قوی بوده و کمتر از این محدوده، اثر تورم منفی یا ناچیز است. به این منظور اطلاعات مربوط به تئوریه ها و ساختار مدل های بکار رفته در مطالعات پیشین در داخل و خارج کشور مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به خصوصیات اقتصاد ایران، مدل مناسب انتخاب شده است. پیش فرض اصلی وجود رابطه غیرخطی بین تورم و توزیع درآمد در طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۴۷ می باشد. جهت برآورد مدل، روش حداقل مربعات شرطی (CLS) بکار برده شده است که از طریق حداقل کردن مجذورات خطا ملاکی برای انتخاب آستانه تورمی بهینه به دست می دهد. نتایج تحقیق نشان می دهد که، سطح آستانه به دست آمده در رابطه با تورم و توزیع درآمد در اقتصاد ایران، نرخ تورم ۱۳ درصد بوده است. به عبارت دیگر، در نرخهای تورم بیشتر از ۱۳ درصد تورم دارای اثر منفی، و در نرخهای تورم کمتر از آن، تورم دارای اثر مثبت یا حداقل خنثی بر توزیع درآمد است. لذا از آنجا که در طی دامنه خاصی تورم بر توزیع درآمد اثر مثبت دارد، مناسب است تلاش شود تا نرخ تورم در این دامنه ثابت نگه داشته شود. از طرف دیگر، سیاست های دولت و بانک مرکزی بگونه ای هدفگذاری شود که حرکت اقتصاد به سمت نرخهای پایین تورم (۵ درصد به دست آمده در این تحقیق) که موجب بهبود در توزیع درآمدها شده را به همراه داشته و یا حتی امکان نرخ تورم بالای ۱۳ درصد بر اقتصاد تحمیل نگردد.</p>	

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
	فصل اول: کلیات تحقیق
۲.....	مقدمه.....
۳.....	۱-۱ اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۴.....	۲-۱ فرضیات تحقیق.....
۵.....	۳-۱ اهداف تحقیق.....
۵.....	۴-۱ روش تحقیق.....
۶.....	۵-۱ محدودیت ها و مشکلات.....
	فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق
۱۰.....	مقدمه.....
۱۱.....	۱-۲ مباحث نظری توزیع درآمد.....
۱۱.....	۱-۱-۲ مفهوم توزیع درآمد.....
۱۱.....	۱-۱-۱-۲ توزیع درآمد مبتنی بر عوامل تولید.....
۱۳.....	۲-۱-۱-۱ توزیع مقداری درآمد.....
۱۳.....	۲-۲ تئوریهای توزیع درآمد شخصی.....
۱۴.....	۳-۲ نظریه های برابری توزیع درآمد.....
۱۴.....	۱-۳-۲ معیار حداکثر مطلوبیت جامعه.....
۱۵.....	۲-۳-۲ معیار برابری مطلوبیت کل افراد.....
۱۵.....	۳-۳-۲ معیار مبتنی بر شایستگی.....
۱۵.....	۴-۳-۲ معیار مبتنی بر عدالت.....
۱۶.....	۴-۲ عوامل موثر در ایجاد نابرابری در توزیع درآمد.....
۱۶.....	۱-۴-۲ ساخت بازار.....
۱۶.....	۲-۴-۲ نوع درآمد.....
۱۷.....	۳-۴-۲ تبعیض.....
۱۷.....	۴-۴-۲ شرایط توسعه اقتصادی.....
۱۷.....	۵-۴-۲ سیاستهای اقتصادی.....
۱۸.....	۵-۲ مباحث تئوریک تورم.....
۱۸.....	۱-۵-۲ طبقه بندی انواع تورم.....
۱۸.....	۱-۱-۵-۲ طبقه بندی تورم بر اساس منشا آن.....
۲۲.....	۲-۱-۵-۲ طبقه بندی تورم بر اساس درجه شدت و ضعف آن.....

۲۵	۶-۲ ارتباط تئوریک تورم و توزیع درآمد
۳۱	۷-۲ سوابق تحقیق در خارج کشور
۳۱	۱-۷-۲ بالر
۳۲	۲-۷-۲ استرلی و فیشر
۳۳	۳-۷-۲ گالی و هاون
۳۴	۴-۷-۲ بالر و گالد
۳۴	۵-۷-۲ پائولارد
۳۶	۶-۷-۲ امور تورم
۳۷	۸-۲ سوابق تحقیق در داخل کشور
۳۷	۱-۸-۲ اعرابی
۳۸	۲-۸-۲ دارسی
۳۸	۳-۸-۲ پورداوود
۳۹	۹-۲ جمع بندی مطالعات تجربی

فصل سوم : روش تحقیق

۴۱	مقدمه
۴۱	۱-۳ شاخصهای نابرابری درآمد
۴۱	۱-۱-۳ شاخصهای عینی
۴۲	۱-۱-۱-۳ شاخص انحراف از میانگین نسبی
۴۳	۲-۱-۱-۳ شاخص نابرابری چندکها
۴۴	۳-۱-۱-۳ شاخص ضریب پراکندگی
۴۵	۴-۱-۱-۳ شاخص واریانس و انحراف معیار لگاریتم درآمدها
۴۶	۵-۱-۱-۳ شاخص ضریب جینی
۵۲	۶-۱-۱-۳ شاخص اتنو فریگی
۵۴	۷-۱-۱-۳ شاخص تایل
۵۵	۲-۱-۳ شاخصهای قیاسی
۵۵	۱-۲-۱-۳ شاخص اتکینسون
۵۶	۲-۲-۱-۳ شاخص دالتون
۵۷	۳-۲-۱-۳ شاخص سن
۵۸	۲-۳ خصوصیات یک شاخص نابرابری
۶۰	۳-۳ روش مطالعه

۳-۲-۱ ارائه الگو..... ۶۵

فصل چهارم: نتایج و تجزیه و تحلیل آماری

مقدمه..... ۶۹

۴-۱ مروری بر روند تورم و توزیع در کشور..... ۶۹

۴-۲ معرفی متغیرهای الگو..... ۷۳

۴-۳ آزمون مانایی..... ۷۴

۴-۴ آزمون همجمعی..... ۷۶

۴-۵ تخمین مدل..... ۷۷

۴-۶ آزمون والد..... ۸۱

۴-۷ تخمین سطح آستانه تورم با استفاده از شاخص‌های نابرابری چندکها..... ۸۱

۴-۸ تفسیر نتایج..... ۸۴

فصل پنجم: بحث و بررسی نتایج و ارائه پیشنهادات

مقدمه..... ۸۷

۵-۱ خلاصه پژوهش..... ۸۷

۵-۲ نتایج..... ۸۸

۵-۳ ارائه پیشنهادات..... ۹۱

۵-۲-۱ پیشنهادات برای مطالعه بیشتر..... ۹۳

منابع و مأخذ..... ۹۶

ضمائم

چکیده انگلیسی

فهرست جداول و نمودارها

صفحه

عنوان

۲۷.....	جدول ۱-۲ معمای تورم - نابرابری (جدول A ₁)
۳۰.....	جدول ۲-۲ معمای تورم - نابرابری (جدول B ₁)
۷۳.....	جدول ۱-۴ معرفی متغیرهای مدل
۷۵.....	جدول ۲-۴ نتایج آزمون مانایی در سطح متغیرها
۷۶.....	جدول ۳-۴ نتایج آزمون مانایی برای تفاضل مرتبه اول متغیرها
۷۸.....	جدول ۴-۴ نتایج برآورد مدل در سطوح آستانه به دست آمده
۸۲.....	جدول ۵-۴ نتایج تخمین سطح آستانه تورم با استفاده از شاخص نابرابری چندکها
۷۰.....	نمودار ۱-۴ روند ضریب جینی در طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۴۷
۷۱.....	نمودار ۲-۴ روند تورم در طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۴۷
۷۲.....	نمودار ۳-۴ نوسانات تورم و ضریب جینی در طی سالهای ۱۳۸۵-۱۳۴۷
۸۰.....	نمودار ۴-۴ روند تورم و ضریب جینی در دامنه پایین
۸۰.....	نمودار ۵-۴ روند تورم و ضریب جینی در دامنه میانی
۸۰.....	نمودار ۶-۴ روند تورم و ضریب جینی در دامنه بالا

فصل اول

کلیات تحقیق

مقدمه :

موضوع فقیر و غنی همواره از دغدغه‌های جامعه بشری بوده که با پیدایش علم اقتصاد از زمان آدام اسمیت^۱ تاکنون مورد توجه اقتصاددانان بوده است. امروزه در کمتر گوشه‌ای از جهان نشانی از فقر عمیق اعصار گذشته می‌توان یافت و شکاف میان طبقات اجتماعی - اقتصادی بسیار کاهش یافته است، که بخشی از این دستاورد محصول تحول فکری در برخورد با مساله عدالت اجتماعی در دوران جدید است. امروزه شرایط اقتصادی دیگر، همچون گذشته تغییر ناپذیر تلقی نمی‌شوند و تمایل جامعه به یکسان سازی سطح زندگی برای افراد رو به گسترش روز افزون گذاشته است. در واقع، این تمایل عمومی که درآمد واقعی هر فرد، کمتر از یک حداقل مشخص نباشد، در کشورهای توسعه یافته تا حد زیادی به وجود آمده است. برآوردن این حداقل زندگی است که الزام شناخت عوامل موثر بر توزیع درآمد را در پی آورده است تا تنظیم روشهایی اصولی

۱. Adam Smith

جهت کاهش بی‌عدالتی اقتصادی را میسر سازد. لذا توزیع عادلانه درآمدها (تغییر شکل درآمدهای واقعی به صورتی که فاصله طبقاتی کاهش یابد و سطح درآمد گروههای کم درآمد جامعه بالا رود) یکی از مهمترین و دشوارترین وظیفه سیاست‌گذاران اقتصادی است. توجه به این امر در کشورهای روبه توسعه مانند ایران که از نابرابری‌های عمیق‌تری رنج می‌برند ضرورتی انکار ناپذیر است.

در این فصل ابتدا کلیاتی در زمینه اهمیت توزیع درآمد را بیان کرده و سپس به فرضیات، اهداف، روش تحقیق، منابع اطلاعاتی تحقیق و در نهایت به موانع و محدودیت‌های تحقیق حاضر می‌پردازیم.

۱-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق :

توزیع درآمد به‌عنوان یکی از حوزه‌های بحث برانگیز در مباحث اقتصاد توسعه به شمار می‌آید و به دلیل آثار اجتماعی آن در سایر حوزه‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته است. بطوریکه هم از دیدگاه ارزشی و هم از دیدگاه اثباتی بحثهای فراوانی پیرامون آن صورت گرفته است و در عمل بخش بزرگی از مداخلات دولت با انگیزه بهبود توزیع درآمد صورت می‌گیرد. از آنجا که توزیع درآمد شاخص ارتباطی و واسطه‌ای رفاه اجتماعی و پویایی اقتصادی است، لذا شناخت الگوی توزیع درآمد در جامعه و بررسی عوامل موثر بر آن از اهمیت زیادی برخوردار است. سطح توسعه‌یافتگی، ثبات قیمت‌ها (تورم)، اشتغال و ... از عوامل مهم تاثیر گذار بر نابرابری درآمدها بوده و حرکت اقتصاد در جهت صحیح این متغیرها می‌تواند بهبوددهنده توزیع درآمد در کشورها باشد. در بررسی این شاخصهای کلان، تورم از جمله عوامل اصلی مورد بحث است که بسته به نوع و شدت آن اثرات متفاوتی بر الگوی توزیع درآمد خواهد داشت. به عبارت دیگر، تورم در سطوح بالا، بیشترین آثار مخرب را، بر توزیع درآمدها داشته و در سطوح پایین می‌تواند به‌عنوان عاملی در

جهت بهبود توزیع درآمد، عمل نماید. می‌توان گفت که نرخهای تورم بالا، انگیزه را برای انواع سرمایه‌گذاری شامل انباشت سرمایه فیزیکی، انباشت سرمایه انسانی، اختراعات، تحقیق و توسعه و... کاهش داده و در نتیجه رشد اقتصادی را به تعویق می‌اندازد. بعلاوه نرخهای بالای تورم، با افزایش عدم اطمینان نسبت به بازدهی فعالیت‌های مولد و افزایش سوددهی فعالیت‌های غیر مولد، زمینه فعالیت‌هایی را که به لحاظ اجتماعی مضر هستند، فراهم ساخته و به شکل‌گیری فعالیت‌های زودبازده که نهایتاً هم غیر تولیدی هستند می‌انجامد. در نتیجه، سطوح بالای تورم، از طریق اثرات منفی که بر شاخص‌های مهم اقتصاد، از جمله رشد اقتصادی، اشتغال، سرمایه‌گذاری و... خواهد داشت، نهایتاً آثار مخرب خود را بر توزیع درآمدها بر جای خواهد گذاشت. از طرف دیگر، در نرخهای پایین تورم، مادامیکه قیمت‌ها آهسته افزایش یابند، می‌تواند به‌عنوان عامل محرکی در جهت رشد شاخص‌های فوق‌الذکر و کاهش نابرابری‌های درآمدی عمل نماید. بنابراین، تمایز بین سطوح مختلف تورم، شناسایی این سطوح و نحوه اثرگذاری آن بر توزیع درآمد، ضروری به نظر می‌رسد.

منظور از سطح آستانه‌ای تورم، نرخ یا محدوده‌ای از تورم می‌باشد که فراتر از آن اثر تورم بر ضریب جینی (که به عنوان شاخصی برای نابرابری درآمد معرفی می‌گردد) معنی‌دار و قوی بوده و کمتر از این محدوده اثر ناچیز و بی‌معنی است. تعیین این سطح می‌تواند میزان تاثیر پذیری توزیع درآمد را که از جمله اهداف سیاسی و اقتصادی مهم برای دولت‌ها محسوب می‌شود را نسبت به تورم مشخص نماید.

با توجه به اهمیت این مساله و به لحاظ این که ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه اکثراً با نرخهای تورم بالا مواجه بوده است، تصمیم گرفتیم تا به تخمین سطح آستانه تورم و توزیع درآمد در ایران، طی سالهای ۱۳۴۷-۱۳۸۵ بپردازیم.

فرضیات مورد آزمون در این تحقیق عبارتند از:

(۱) اگر تورم در سطح پایین باشد، سبب بهبود در توزیع درآمد می‌شود.

(۲) اگر تورم در سطح بالا باشد (معمولاً دورقمی) توزیع درآمد به شدت نابرابر می‌شود.

۳-۱ اهداف تحقیق :

در جریان توسعه اقتصادی، عدم توجه به نابرابری‌های اقتصادی محال می‌باشد. برای رسیدن به یک توسعه اقتصادی در کنار اجرای سیاست‌های اقتصادی باید رعایت عدالت اجتماعی را در نظر داشت و این امر بدون دخالت لازم و متناسب ناممکن است. باید به تخصیص منابع و امکانات، ایجاد فرصت‌های مساوی، بالا بردن بهره‌وری و سرمایه‌گذاری و ثبات قیمت‌ها توجه جدی شود. اقتصاد ایران از لحاظ ساختاری دارای مشکلات پیچیده‌ای است. یکی از این مشکلات همانطور که به آن اشاره شد توزیع نابرابر درآمدهاست. بدون شناخت عوامل موثر بر توزیع درآمد نمی‌توان راه‌حلهای مناسب ارائه داد. یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر روی توزیع درآمد تورم می‌باشد که باعث ایجاد درآمدهای سرشار برای دارندگان کالا و خدماتی می‌شود که قیمت‌هایشان روزبه روز افزایش می‌یابد. اگرچه تورم می‌تواند تاثیر منفی بر روی توزیع عادلانه درآمدها داشته باشد اما باید توجه داشت که تورم همواره مضر نیست و بسته به نوع و شدت آن دارای آثار متفاوتی است. بنابراین، یافتن نرخ بهینه تورم که در آن نرخ نه تنها تورم مضر نیست، بلکه عاملی برای توسعه و رشد اقتصادی محسوب می‌شود از اهداف مهم این پژوهش به شمار می‌رود. امید است که با آگاهی از این موضوع بتوان سیاست‌هایی در جهت تعدیل نابرابری در توزیع درآمدها اتخاذ نمود.

۴-۱ روش تحقیق :

این مطالعه به جهت نوع تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از اطلاعات مستند مرکز آمار ایران و گزارشات بانک مرکزی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی انجام می‌گیرد. اطلاعات مربوط

به تئوری‌ها و ساختار مدل‌های بکار رفته در مطالعات پیشین در داخل و خارج از کشور مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به ادبیات موضوع، مدل مناسبی برای ایران انتخاب می‌گردد. در این مطالعه از داده‌های سری زمانی، در دوره ۱۳۸۵ - ۱۳۴۷ استفاده شده است و با توجه به متغیرهای مورد نظر، برای برآورد مدل، روش حداقل مربعات شرطی (CLS) به کار برده شده که از طریق حداقل کردن مجذورات خطا، ملاکی برای انتخاب آستانه تورمی بهینه به دست می‌دهد. در این روش متناسب با هر آستانه از تورم، مدل به وسیله روش حداقل مربعات معمولی (OLS) تخمین زده شده و سپس مجموع مجذورات خطا به صورت تابعی از نرخهای تورم به دست می‌آید. سطوح آستانه تورم با انتخاب مقادیری که مجموع مجذورات خطا را حداقل کند، انتخاب می‌شوند.

۱-۵ محدودیتها و مشکلات در راه مطالعه توزیع درآمد:

اندازه‌گیری توزیع درآمد در اغلب کشورهای در حال توسعه با محدودیت‌های زیادی مواجه است. از جمله این محدودیت‌ها گستردگی بازارهای غیررسمی کار و سرمایه است. ارقام مزد و حقوق از بازارهای رسمی به دست می‌آید که درآمدهای حاصل از مشاغل غیررسمی در بازارهای سازمان نیافته و درآمدهای کسب شده غیر از دستمزد و حقوق را شامل نمی‌شود و این امر موجب می‌شود که برآورد پایین‌تری از درآمد به دست آید. محدودیت دیگر اینکه اطلاعات بودجه خانوار حتی اگر به منظور برآورد نابرابریهای درآمد و مصرف تهیه گردد، چون با تکنیک نمونه‌گیری به دست می‌آید، اطلاعات لازم را فراهم نمی‌کند. برخی از این نواقص به اقلامی که پرسشگر به طور صحیح سوال نمی‌کند بر می‌گردد و بخشی دیگر ناشی از امتناع پاسخگو از بیان ارقام واقعی درآمد می‌باشد. در بسیاری از موارد اطلاعات کافی از اجزاء درآمد برای خود پرسشگر هم شناخته شده نیست. به ویژه در مناطق روستایی این عامل بر خطای سنجش توزیع درآمد می‌افزاید. محدودیت دیگر در اندازه‌گیری درآمد عنصر نوسانات ناپایدار در درآمدهای خانوار است. این نوسانات

انعکاسی در درآمد بلند مدت دائمی نداشته و لذا در نظر گرفته نمی‌شوند. بنابراین از نوسانات ناپایدار مانند سایر خطاهای تخمین چشم پوشی می‌شود، در حالیکه در برخی از مشاغل این نوسانات بی‌تاثیر هم نیستند. از این‌رو توزیع درآمد قابل مشاهده در نمونه لزوماً برای تقریب توزیع درآمد کافی نیست. معمولاً اطلاعات مربوط به هزینه‌های مصرفی در تحلیل روند توزیع درآمد پایه مناسب‌تری به دست می‌دهد. در عین حال نکاتی را در این زمینه باید در نظر گرفت. از جمله آنکه نوسانات کوتاه مدت مخارج، نسبتاً کوچکتر از نوسانات درآمد است و تصمیمات مصرفی دقیقاً همزمان با نوسانات درآمد تغییر نمی‌کند. مهمترین دلیل آن نقش درآمدهای غیردائمی در مصرف و تفاوت میل نهایی به مصرف در گروه‌های مختلف درآمدی است. نکته دیگری که در استفاده از داده‌های مصرف باید در نظر گرفت این است که مصرف تحت تاثیر عواملی نظیر بعد، ترکیب سنی و جنسی خانوار و همچنین سطح قیمتها می‌باشد و هنگام استفاده از داده‌های مصرف در توضیح تغییرات داده‌های درآمد ارقام باید با توجه به موارد فوق تعدیل گردد. عوامل دیگری که در ارتباط با داده‌های مربوط به هزینه‌های مصرفی اعتبار آن را مخدوش می‌کند عبارتند از :

الف- خانوارهای پر درآمد در بیان هزینه‌های مصرفی خود معمولاً کم گویی می‌کنند.

ب- وجود قیمت‌های چندگانه که از گسستگی بازارها و یا سیاست‌های حمایتی دولتها ناشی می‌شود، داده‌های مصرف را کم اعتبار می‌نمایند. اما به هر حال باید بپذیریم که مشاهده پذیری داده‌های مصرف از داده‌های درآمد بیشتر است.

دو نکته در ارتباط با اندازه‌گیری شاخصهای نابرابری :

اول اینکه بالا بودن سهم درآمدهای غیرپولی خانوار و همچنین گستردگی اقتصاد زیرزمینی از مشکلات تولید اطلاعات مربوط به شاخصهای نابرابری است.

دوم اینکه شاخصهای نابرابری گاهی بر حسب خانوار و گاهی بر حسب فرد گزارش می‌گردند. با این فرض که درآمد خانوار بین اعضای آن عادلانه توزیع می‌گردد، شاخصهای نابرابری بر حسب فرد معمولاً وضعیت مناسب‌تری را از هنگامی که بر حسب خانوار برآورد می‌گردند، منعکس می‌نماید.